



حجة الاسلام دکتر سید مهر حسین ملامه
عضو هیات علمی دانشگاه هنر اصفهان

قرآن، به ما عشق، مقصد و جهت عطا می کند و هنر، ساعت، ابزار و نیرو. حال ببینیم نگره قرآن که جاده هنر را ترسیم می کند چیست؟ وجه تکنیک‌هایی را معرفی می نماید تا مرکب هنرمند شود.

۱. هنر در نگاه قرآن تابع یک قواعد و قوانین عینی (ابزکتیو) در ظهور به نحو عام و مشترک است و خارج از رویه هنر به مفهوم ذهنی و اعتباری می باشد. چگونه اسمای حسناى خداوندی ظهور پیدا می کند در حالیکه او می تواند خلیفه خدا شود و صفات خداوند در او بروز کند. قرآن می فرماید: «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» و یا «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» یعنی انسان می تواند قوه ی آفرینش و مظهر آن یعنی هنر و خلاقیت را بکار بندد و اساساً هنرمند به اعتبار نفخه الهی هنرمند است، که لازمه آن عینیت بخشیدن است و به تعبیر عرفانی: هنر، همان حب ظهور و اظهار می باشد و هر چیزی که به درجه ی تجرد برسد خلاقیت و آفرینش دارد. هنر؛ کوشش بشری است برای تصویر تأثیرات ناشی از حقایق هستی که در حس ایجاد می شود، تأثیری زیبا و زنده و مؤثر (۱) در آیه ۲۴ سوره مبارکه ی حشر نیز دو اسمی که به آن اشاره می شود مرتبط با هنر است: خالق و مصور، مقصود آنکه هنر را تابع قوانین ظهور می دانیم؛ مگر نه این است که ظاهر و مظهري که ظهور نموده است در عین ظهور، پنهان می باشد. «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن» دانستن اینکه خود ظهور که از مقومات آفرینش هنری است، تابع چه روشی باشد، ضروری است. مثل حق که ظاهر و در عین حال منزّه از ظهور می باشد، اگر چه در اثر خودش ظهور

دارد و به تعبیر ابن عربی، «هو لا هو»، یعنی هم در آثار خود هست و هم نیست. (۳) با این توضیح مشخص شد مقصود از سنتی بودن هنر قرآنی نه آنکه در قالب عادات و رسوم متعارف قرآن قرار نمی‌گیرد بلکه به نحوی تابعیت از قوانین الهی است. «فلن تجد لسنة الله تبديلا و لن تجد لسنة الله تحويلا» این تبدیل ناپذیری هنر هر چند متضمن نوآوری است ولیکن این نوآوری از همان قوانین ازلی و ابدی است نه تخطی از آنها. البته در چارچوب ظهور، تجلی بدون تکراری نهفته است «کل يوم هو في شأن» که خداوند (جل جلاله) در هر لحظه ای ظهور و تجلی دارد به خلاف بعضی از نوآوری های جدید که نتیجه اش زیر پا گذاردن همه قوانین هنر می باشد. ۲- هنری که از متن وحی خارج می‌شود عاطفی صرف نیست و از این رو مورد تعقل و مشهود واقع می‌شود یعنی مفهوم هنر این نیست که به هروسیله‌ای بخواهد تحت تأثیر بگذارد و با «ساتنی مانتالیزم» فرق دارد، هنر قرآنی پارا فراتر از احیای ارزش‌های انسانی می‌گذارد و در عالیترین شکل و نمود خود تجلی می‌کند و به تعبیر غربیان نوعی تنوفانست است. هنر از نگاه قرآن از مخابره انسان به انسان در حیطة عاطفی، پارا فراتر می‌گذارد و گذشتن از مرزی است که «تولستوی» آن را ترسیم می‌نماید: «وقتی انسان، آگاهانه و به معیت علائم خارجی، احساساتی که خود تجربه کرده است به صورتی زیبا به دیگران انتقال دهد به طوری که این احساسات به ایشان سرایت کند و آنان را از همان مراحل حس و عاطفی که او گذشته است، عبور دهد، عملش هنر و خود هنرمند نامیده می‌شود.» (۴) ۳- عینی بودن هنر قرآنی بدین معنی، وصول به حقیقت، زیبایی و نیز مظهر خلاقیت و حقیقت مطلوبست. شعار شعور این هنر اتصال و توصیه به حق است. «و العصر ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر» ۴- هنر قرآنی، هنر طولی است و انسان نیز که راست قامت آفریده شده است، بدون سر نمی‌باشد: «افمن يمشى مكباً على وجهه اهدى ام من يمشى على سواء السبيل» آیا کسی که چهار دست و پا راه می‌رود به هدایت نزدیک تر است یا کسی که به راه راست می‌رود. طبق تعبیر قرآن «مکباً علی وجهه اهدی» یعنی واژگون نیست، و باید راست قامتی در تمام مظاهر وجود انسان جلوه گر باشد. یعنی هنر انسان نیز مثل دین، یک سیر عمودی به طرف خداست. در حقیقت، «هنر نردبانی است که به نام حقیقت منتهی می‌شود به



۲. منهج الفن الاسلامی / محمد قطب.
۳. نامه فرهنگ / سال چهارم / شماره چهارم / شماره مسلسل ۱۶ / زمستان ۷۳. همچنین حکمت و هنر معنوی / دکتر اعوانی / ص ۳۲۱ / انتشارات گروس / ۱۳۷۵.
۴. روشنویسندگان بزرگ معاصر / ص ۲۶.

شرط آنکه به دیوار قرآن تکیه کند» یعنی می توان گفت: «هنر پلکان اضطراری در آسمان خراش روح است» (۵) البته نباید از فراگیری حس اجتماعی هنر قرآنی غافل بود، حتی برخی از نویسندگان نیز به این صعود اجتماعی بواسطه دیانت اشاره دارند: «هیچ هنرمندی نمی تواند از جان و دل به کار پردازد، مگر آنکه احساس کند جماعتی از مردم مخاطب او هستند، هر هنرمندی که بخواهد به مرتبه عالی برسد باید به حس اجتماعی مردم، توسل جوید و تاکنون بالاترین شکل «حس اجتماعی» همان دیانت بوده است. کسانیکه رابطه ضروری میان هنر و دیانت را منکرند باید حس اجتماعی دیگری، معادل دیانت، پیدا کنند که برای هنر، یک مداومت تاریخی غیر دینی را تضمین کند...» (۶) ۵- هنر قرآنی مبتنی بر سمبولیزم، و رمز و تمثیل است. یک سمبل، آینه شفافی است که حقایق عالم ملکوت را جلوه گر می کند. قرآن، خود مبتنی بر سمبولیزم یعنی مثالی است که یک قاعده و اصل وجودی را برایمان تبیین می کند «تلك الامثال نضربها للناس و ما یعقلها الا العالمون» «ما این مثال ها را می زنیم ولی جز عالمان، آنرا درک و تعقل نمی کنند.» یعنی از معنی ظاهری به معنی حقیقی می رسد. حقایق اسماء و صفات در همه ی مراتب هستی و در عالم روح، نفس، مثال، حس و شهادت تجلی کرده است، بنابراین بین آنچه در عالم حس و مثال دیده می شود، تناظر و توافقی با عوالم مختلف است. تمثیل هایی که قرآن در قالب حس متمثل بیان می دارد، به عنوان مظاهری که نمود واقعیت است بیان می شود. به تعبیر قرآن «و الله المثل الاعلی»، این حقایق متمثل است. بنابراین، یک نماد به اعتبار اینکه نمودار یک حقیقت متعالی است، هرگز زشت نیست و واقع یک رمز، یک حقیقت برتر و مثل اعلی و شهود محض است نه یک نماد وصفی و قرار دادی. شاید در حقیقت، هنرها، رمز یک زیبایی آرمانی باشند و به تعبیر «رینولدز» که می گوید: «همه ی هنرها کمال خود را از یک زیبایی می گیرند، که از آنچه در طبیعت منفرد یافت می شود، بالاتر است» (۷) ۶- در هر هنر قرآنی، اصل توحید حکم فرماست و هنرمند؛ دید اناالله و انا الیه راجعونی دارد و مسأله ی وحدت در کثرت و تجلی وحدت را تبیین می کند. او جنبه اولویت را در آخریت «هو الاول و الآخر» و حیثیت بطون را در ظهور «و الظاهر و الباطن» به نمایش می گذارد، همانطور که قبله نمادی از انصراف از کثرت و توجه و روی آوردن به وحدت است. «قد نری



۵. برداه/حسن حسینی/ص ۱۲ و ۲۲.
 ۶. معنی هنر/ اثر هوربرت/ ص ۶۳
 ۷. مطالعاتی در هنر دینی/ ج ۱/ ص ۵

تَقَلَّبُ وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ ... فَوَلَّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ» ۷- در هنر قرآنی الهام حقانی و اشراقی وجود دارد. یعنی نقش نفس، دریافت الهام از مراتب بالاتر و اثر هنری می باشد به خلاف هنر غیر الهی که نفس هنرمند، دارای استقلال به نحوی می باشد که گاه متأثر از الهام فجور می گردد. «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوِيَهَا» به عبارت دیگر، سخن در چگونگی دخالت نفس در اثر نیست، بلکه در این مطلب است که اثر هنری محکی عنه چیست؟ اگر چه هر دو حال، حاکی از نفس است به تفاوت وضوح و مقام و ساحت. ۸- تفاوت هنر دنیوی «Profameprofame» و هنر الهی، در حیطه توانایی و ترکیب را نگاه کنید: در جایی می فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ» (۸) و می فرماید: «صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ» (۹) صورتی که برتر از آن ممکن نیست و می فرماید: «تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» به «صورت آفرین» و بر این «صورت» آفرین! بعد، به واسطه ی همین خلق و صورت الهی، انسان را مسجود ملائکه می داند و می فرماید: «ثُمَّ قَلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِلآدَمِ» (۱۰) نکته دیگر در حیطه توانایی و قدرت ترکیب است که آنچه متعلق مشیت آفرینش است، در مادهی وجود ترکیب می فرماید: «فِي آيِ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكِبَكَ» (۱۱) ۹- هنر قرآنی در نهایت استحکام و متانت و کمال است. «صنع الله الذي اتقن كل شيء» (۱۲) صنع الهی در نهایت اتقان آفریده شده است و به انسان به عنوان حامل امانت الهی پیام می دهد. که باید واجد خلاقیت، ابداع و صنع همراه با اتقان گردد. البته ابداع، یعنی از هیچ آفریدن، فقط مخصوص حضرت حق، جل جلاله و تقدس اسمائه، می باشد. «بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» (۱۳) یا می فرماید: «أَمَّا قَوْلُنَا إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (۱۴) اما انسان معانی را در قوه ی تخیل خود ابداع می نماید و برای عینیت خارج، حتما باید از ابزار و وسایلی استفاده برد. (۱۵) ۱۰- وجود عناصر تشکیل دهنده زیبایی: دقت، هماهنگی و توازن در هنر قرآنی است؛ دقت آغاز این عناصر است، چرا که دقت؛ نقطه ی شروع هر هنر است و دقت چیزی جز انتقال از «ابهام» به «تشخیص» نیست. «مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ» (۱۶) «دوباره، دیده برگردان، آیا خلل و عیبی می بینی، پس باز هم مجددا چشم برگردان و بین: در این صورت است که چشمانت [باز هم مجددا]، بسته و خسته، به تو باز می گردد ...»



۸. معنی هنر/ص ۱۸۰.

۹. سوره اعراف/۱۱.

۱۰. سوره مؤمن/۶۴.

۱۱. سوره اعراف/۱۱.

۱۲. سوره انفطار/۸.

۱۳. سوره نمل/۸.

۱۴. سوره بقره/۱۱۷.

۱۵. سوره نمل/۴۰.

۱۶. فصلنامه هنر/ شماره ۱۳/

زمستان ۱۳۶۵/ بهار ۱۳۶۶.

مرحوم علامه طباطبایی (ره) از این ناتوانی و خستگی چشم در درک عظمت آسمان‌ها و سیر نشدن جان از تماشای تدبیر نتیجه می‌گیرند: در دو آیه، اشاره است به اینکه نظام جاری در عالم هستی، نظام واحدی است که اجزای آن به هم پیوسته و مرتبط و کوچکترین نقص و خلاف حکمت و تدبیر در آن نیست. (۱۷) جدای از نوع نگاه، پیرامون مطلق نگاه نیز در قرآن ویژگی‌هایی می‌یابید، به طور مثال نگاه کنید به رنگ‌ها در قرآن: رنگ زرد و روشن که به تدبیر قرآن، سرور آور است (۱۸) یا لباس سبز بهشتیان (۱۹) و چهره سیاه دوزخیان (۲۰) ۱۱- نوع بیان و دیدگاه آیه شناس هنر قرآنی و دینی است، هنر، بیان عقیده‌ای است که مخاطب خاص خود را دارد و به قول اقبال لاهوری:

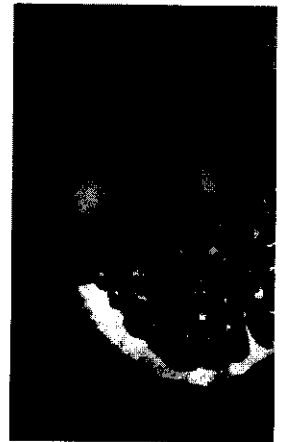
مزمعشوق تو، به ارباب هوس نتوان گفت

سفن از تاب و تب شعله، به فس نتوان گفت

تو مرا ذوق بیان دادی و گفتمی که بگوی

هست در سینه‌ی من آنچه به کس نتوان گفت (۲۱)

در سوره مبارکه الرّحمان می‌فرماید: «خلق الانسان علمه البيان» در نگره قرآنی، بیان و «نمود بیرونی» هنر باید منطبق بر «بود درونی» باشد و فاصله‌ای بین «باور قبلی» و ارائه هنری یا بینش و نمایش نیست، نه آنکه دچار نفاق هنری و به تعبیر قرآن «يقولون بالسنتهم ما ليس في قلوبهم» (۲۲) شوند و این خلوص، در تمام مراحل ارائه اثر هنری، چه انفاق نفس و فعالیت اندیشه یا عرضه خارجی رسوخ می‌یابد. توانمندی هنر دینی آن است که؛ پیشتر عظمت را در «نگاه هنرمند» تولید می‌کند تا «اثر هنری». ۱۲- قرین بودن تلاش با رسالت هنر قرآنی «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقيه» ای انسان، تو سعی کننده‌ای به سوی خدای خود هستی، تا خدا را ملاقات کنی. در واقع هنرپیشرو، باید بر اساس «بایدها» باشد نه «هست‌ها» (۲۳) کلام را با سخن استاد محمد تقی جعفری در این رابطه به انجام می‌رسانیم: «هنر پیرو، عبارتست از توجیه شدن نبوغ و فعالیت‌های عقلانی و احساساتی هنرمندان به سوی خواسته‌ها و تمایلات دریافت شده‌ی مردم. هنرمند پیرو دنباله‌رو تفکرات و آرمان‌های مردم جامعه است. هنر پیشرو، تصفیه واقعیات جاری و استخراج حقایق ناب از میان آنها و قرار دادن آن در مجرای «حیات معقول» با شکل جالب و گیرنده است. در اینگونه هنرها «آنچه هست» را به سود «آنچه باید باشد» تعدیل می‌نمایند. ما این هنر را جلوه‌گاه تعهد و بوجود آورنده‌ی آن را هنرمند متعهد می‌نامیم» (۲۴)



۱۷. سوره ملک/ ۳ و ۴.
۱۸. المیزان/ ج ۲۰/ ص ۶
۱۹. سوره بقره/ ۶۹
۲۰. سوره کهف/ ۳۶ و سوره دهر/ ۲۱.
۲۱. سوره زمر/ ۶۰
۲۲. کلیات اقبال لاهوری/ ص ۱۳۰.
۲۳. سوره فتح/ ۱۱.
۲۴. هنر در قلمرو حکمت/ جواد محدثی/ نشر دفتر تبلیغات/ زمستان ۷۶/ ص ۱۰۳ و ۱۰۴.
۲۵. نگاهی به فلسفه هنر، محمد تقی جعفری/ ص ۱۴ و ۱۷.